

۲۰ | ۱۳۲۸
۹۸,۰۰۰

به نام خدا

جولای خاکستری

(بررسی عوامل سبب محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر)

www.ketab.ir



انتشارات پرکاس - ۱۳۹۸

سرشناسه	:	سلامت، طيبة، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور	:	جولای خاکستری: بررسی عوامل سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر / طيبة سلامت.
موضوعات نشر	:	تهران: انتشارات پرکاس، ۱۳۹۷.
موضوعات ظاهری	:	۲۱۶ ص.
شابک	:	978-600-7469-40-8
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه ص. [۲۰۰] - ۲۱۶.
عنوان دیگر	:	مرسی عوامل سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر.
موضوع	:	مرسی، محمد. ۱۹۵۱ - م.
موضوع	:	Mu si, Muhammad
موضوع	:	اخوان المسلمین / مصر -- تاریخ -- قرن ۲۱ م.
موضوع	:	Jamiyat al- Ikhwan al-Muslimin (Egypt) -- History -- 21st century
موضوع	:	مصر -- سیاست و حکومت -- قرن ۲۱ م.
موضوع	:	Egypt -- Politics and government -- 21st century
موضوع	:	مصر -- تاریخ -- اعتراض ها، ۲۰۱۱ - ۲۰۱۳.
موضوع	:	Egypt -- History -- Protests, 2011-2013
موضوع	:	مصر -- تاریخ -- قرن ۲۱ م.
موضوع	:	Egypt -- History -- 21st century
رده بندی کنگره	:	۹۱۳۹۷ ج ۸ س ۱۰۷/DT۸۸
رده بندی دیویی	:	۵۶/۹۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۱۶۲۵۲

جولای خاکستری بررسی و امل سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر

طرح جلد: سید عرفان میرعارفین

نویسنده: طیبہ سلامت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۶۹-۴۰-۸

چاپ اول: بهار ۱۳۹۸

قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ جلد

چاپ: اطلس

www.parkaas.ir



انتشارات پرکاس

تلفن: ۴۴۶۹۰۷۶۱

تهران- صندوق پستی ۱۱۶-۱۳۹۱۵

۱۵	مقدمه
۲۱	فصل اول
۲۱	مبانی نظری
۲۲	گفتمان جنبشهای اسلامی معاصر
۲۲	حرکت ادواری (سیئوسی) جنبشهای اسلامی بین دو مفهوم سقوط و رستاخیز
۲۳	رستاخیز اسلامی سنتزی از استعمار غرب و اقدام جمعی اسلامی
۲۵	جنبشهای اسلام در برابر میان اسلام و دموکراسی
۲۶	متغیرهای کنترل کنند و تغییر کننده اقدامات جمعی اسلام گرایانه
۲۷	جنبشهای اسلامی معاصر در کالبد جنبشهای اجتماعی جدید
۲۹	ارزیابی و محتویسنجی وقایع جهان عرب (۲۰۱۰ و پس از آن)
۳۰	گفتمان ترکیبی اسلام دموکراتیک
۳۰	بررسی انقلابهای جدید عربی از دیدگاه جامعه سیاسی
۳۵	پسا اسلام گرایی در توضیح تحولات اخیر ملت های اسلام
۳۷	بهار عربی
۳۸	اصقلاب، حد وسط انقلاب و اصلاحات
۳۸	گفتمان بیداری
۳۹	بیداری اسلامی
۴۰	بیداری اسلامی در کالبد تحولات اخیر عربی
۴۱	انقلاب اسلامی ایران، بازتولید بیداری اسلامی در دوره جدید
۴۲	گفتمان پیش بینی، کنترل و مدیریت
۴۳	مبارزه بدون خشونت
۴۵	چهارچوب منتخب
۴۷	فصل دوم

۴۷	مصر، از عصر فراغت تا بیداری اسلامی ۲۰۱۱
۴۷	بخش اول
۴۷	اطلاعات عمومی راجع به کشور مصر
۴۷	جغرافیای مصر
۴۷	جمعیت
۴۸	شبه جزیره سینا
۴۹	کانال سوئز
۵۰	رود نیل
۵۱	ماه‌ره
۵۱	الازهر
۵۲	تشکیلات مذهبی
۵۲	بخش دوم
۵۲	تاریخ مصر
۵۲	دوره ماقبل تاریخ:
۵۴	دوره آخر سلاطین مصر
۵۵	اسلام در مصر
۵۶	سلسله بنی طولون
۵۷	سلسله آل خشید
۵۸	سلسله فاطمیون
۵۹	فتح مصر
۵۹	سلسله ایوبیان
۶۰	سلسله ممالیک
۶۱	حاکمیت عثمانی
۶۲	تصرف مصر به وسیله ناپلئون
۶۳	دوره حکومت خدیوها

۶۵	جنگ جهانی دوم و کودتای افسران آزاد
۶۶	دوره حاکمیت سادات
۶۷	بخش سوم
۶۷	بیداری اسلامی در مصر
۶۷	بررسی ویژگی‌های حاکمیت مصر در آستانه انقلاب
۶۷	فروپاشی حکومت و عدم گردش نخبگان
۶۸	شخصی بودن قدرت
۶۹	دموکراسی ظاهری و سرکوب سیاسی
۷۰	فساد گسترده در طبقه حاکم
۷۰	شرح مختصر حوادث مصر، ژوئن ۲۰۱۰ تا ژانویه ۲۰۱۳
۷۰	شروع ناآرامی در مصر تا برکناری حسنی مبارک
۷۴	برکناری حسنی مبارک تا استقرار خوان مسامین در ساختار حاکمیت
۷۴	از ریاست جمهوری مرسی تا سقوط دولت وی: سطر ارتش
۷۵	از کشتار در رابعه العدویه تا پیروزی السیسی در انتخابات ریاست جمهوری
۷۷	فصل سوم
۷۷	واکاوی عملکرد سیاسی ایدئولوژی سلفی در سقوط مرسی
۷۸	بخش اول
۷۸	سلف و سلفی‌گری؛ چیستی، چرایی، چگونگی
۷۸	واکاوی مفاهیم «سلف، سلفی‌گری»
۸۰	پیدایش سلفی‌گری
۸۰	ایدئولوگ‌های سلفی‌گری
۸۰	احمد بن حنبل
۸۱	ابن تیمیه (تنویریین تکفیر)
۸۲	محمد بن عبدالوهاب (مجرى تکفیر)
۸۳	گروه‌های سلفی در دوره معاصر

تعریف دوگانه مفهوم «بازگشت به سلف» در مصر	۸۳
تعریف اول	۸۳
تعریف دوم	۸۴
بخش دوم	۸۵
اخوان المسلمین	۸۵
معرفی اجمالی	۸۵
محیط پیدایش اخوان المسلمین	۸۵
اسوا فکری و سیاسی اجتماعی اخوان المسلمین	۸۷
واضع سیاسی اخوان المسلمین	۸۹
فعالیت های اخوان المسلمین در زمینه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی	۹۱
نگرش کلان	۹۱
سیر فعالیت ها و تحول اخوان المسلمین از ابتدا تا کنون	۹۱
دوره کسب قدرت از ۱۹۲۸ تا ۱۹۶۹	۹۲
۱۹۲۸ تا ۱۹۳۲ (مرحله بنیان گذاری و فعالیت محلی)	۹۲
۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ (مرحله تبلیغ)	۹۲
۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ (بسیج و سازمان دهی با شعار ملیت، دین، اخوت و رفاه)	۹۳
دوره کسب قدرت از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲	۹۳
دوره سرکوب از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۲	۹۴
دوره کسب قدرت از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴	۹۵
دوره سرکوب از ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰	۹۶
دوره کسب قدرت از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷	۹۶
دوره سرکوب از ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱	۹۷
دوره کسب قدرت از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ (تعاملات اخوان با حاکمیت حسنی مبارک)	۹۸
دوره سرکوب از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱	۹۹

۱۰۰	 ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین
۱۰۰	 بخش سوم فراگیرشناسی ایدئولوژی سلفی - وهابی در جماعت اخوان المسلمین
۱۰۰	 سیر تحول اندیشه سیاسی در رهبران اخوان المسلمین
۱۰۰	 حسن البنا (۱۹۴۹-۱۹۰۶)
۱۰۱	 سید جمال، عبده، رشید رضا، سید قطب
۱۰۶	 جایگاه فقه در اندیشه اخوان المسلمین
۱۰۶	 فقه مقاصدی
۱۰۷	 مقایسه شیوه عمل فقه مقاصدی و دیدگاه سلفی ها
۱۰۸	 انشعاب در اخوان المسلمین
۱۰۹	 تأثیر پذیری اخوان المسلمین از ایدئولوژی سلفی وهابی
۱۱۱	 اخوانی های وفادار به آرمان حسن البنا در بحبوحه حوادث ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳
۱۱۲	 پرونداد اجتماعی تأثیر وهابیت بر اندیشه اخوان المسلمین
۱۱۳	 بخش چهارم
۱۱۳	 استراتژی و دکرین عملیاتی آل سعود از ۱۱ تا ۲۰۱۴ در حوادث مصر
۱۱۴	 قبل از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱
۱۱۴	 پس از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا کودتای ۲۰۱۳
۱۱۵	 کودتای ۲۰۱۳ و پس از آن
۱۱۶	 بخش پنجم
۱۱۶	 تأثیرات همگرایی ایدئولوژی سیاسی اخوان المسلمین و سلفی - بنیادینی
۱۱۶	 محمد مرسی در نظام سازی
۱۱۶	 تکفیر تشیع و سایر اقلیت های دینی در نتیجه گرایشات سلفی محمد مرسی
۱۱۸	 آسیب شناسی فقه مقاصدی در برابر فقه شیعی
۱۱۹	 بیگانگی مهندسان و تحصیل کرده های اخوان المسلمین با حکومت دینی
۱۲۰	 تسامح اخوان با حاکمیت مبارک در جریان انقلاب
۱۲۱	 جمع بندی فصل

فصل چهارم.....	۱۲۳
نقش سیاست خارجی محمد مرسی در سقوط وی.....	۱۲۳
بخش اول.....	۱۲۴
نقش کشورهای همسایه مصر در سقوط محمد مرسی.....	۱۲۴
عربستان.....	۱۲۴
روابط مصر و عربستان قبل از تحولات ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱.....	۱۲۴
روابط مصر و عربستان بعد از تحولات ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱.....	۱۲۶
اسرائیل.....	۱۲۸
روابط مصر و اسرائیل قبل از تحولات ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱.....	۱۲۸
روابط مصر و اسرائیل از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا آغاز ریاست جمهوری مرسی.....	۱۳۰
روابط مصر و اسرائیل از آغاز ریاست جمهوری مرسی تا کودتای ۲۰۱۳.....	۱۳۱
واکنش اسرائیل به کودتای ۲۰۱۳ و سقوط مرسی.....	۱۳۲
لیبی.....	۱۳۴
بخش دوم.....	۱۳۵
نقش کشورهای خاورمیانه در سقوط محمد مرسی.....	۱۳۵
اردن.....	۱۳۵
امارات.....	۱۳۶
بحرین.....	۱۳۶
قطر.....	۱۳۷
گرایش سنتی دولت قطر به اخوان المسلمین.....	۱۳۷
واکنش قطر به تحولات ۲۰۱۱ مصر و ریاست جمهوری مرسی.....	۱۳۷
شبکه الجزیره شاهرگ دیپلماسی عمومی قطر.....	۱۳۸
ترکیه.....	۱۴۰
مواضع سیاسی در جریان انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱.....	۱۴۰
مواضع سیاسی پس از انتخاب مرسی تا روی کار آمدن نظامیان.....	۱۴۱

۱۴۲	ایران
۱۴۳	سوریه
۱۴۴	بخش سوم
۱۴۴	نقش کشورهای فرا منطقه‌ای در سقوط محمد مرسی
۱۴۴	ایالات متحده آمریکا
۱۴۴	اهداف ایالات متحده آمریکا در مصر
۱۴۶	واکنش آمریکا - تحولات مصر از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳
۱۴۷	سیاست خارجی محمد مرسی در برابر ایالات متحده
۱۴۸	جمع‌بندی فصل
۱۵۱	فصل پنجم
۱۵۱	نقش سیاست داخلی محمد مرسی در سقوط وی
۱۵۲	بخش اول
۱۵۲	ارتش ارتش، ستون فقرات حاکمیت مصر
۱۵۳	ماهیت و نقش تاریخی ارتش در مصر
۱۵۴	ارتش مصر در دوران جنگ جهانی دوم
۱۵۴	ارتش مصر پس از کودتای ۱۹۵۲
۱۵۵	ارتش مصر در جنگ کانال سوئز
۱۵۶	ارتش مصر و جنگ شش روزه
۱۵۷	ارتش مصر در دوران انور سادات
۱۵۸	ارتش مصر در دوران مبارک
۱۵۹	ارتش مصر و سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا
۱۶۰	ارتش و جامعه مدنی
۱۶۱	ارتش در تحولات ۲۰۱۱
۱۶۳	مناسبات نظامی - مدنی در مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه
۱۶۳	نظامیان و دولت مستقر

- ارتش و اخوان المسلمین در جریان انقلاب ۱۶۶
- ابعادسنجی ضعف عملیاتی مرسی ۱۶۶
- کودتای نظامی و سرنگونی دولت مرسی ۱۶۷
- بخش دوم ۱۶۹
- بررسی تاثیر عوامل اقتصادی بر سقوط محمد مرسی ۱۶۹
- اقتصاد مصر ۱۶۹
- ۵-۲-۱- بحران بدهی های خارجی (۱۹۸۲-۱۹۹۰) ۱۷۰
- گشایش اقتصادی (۲۰۰۷-۱۹۹۱) ۱۷۰
- بحران جهانی غذا (۲۰۰۸) ۱۷۱
- بحران جهانی اقتصاد (۲۰۰۸-۲۰۱۱) ۱۷۲
- اقتصاد مصر در دوران مبارک تا ژانویه ۲۰۱۱ ۱۷۲
- اقتصاد مصر پس از تحولات ژانویه ۲۰۱۱ ۱۷۳
- منابع اصلی اقتصاد مصر: کال سوئز، توریسم و درآمدهای خارجی ۱۷۳
- کانال سوئز: ۱۷۳
- درآمد های خارجی و توریسم: ۱۷۴
- نحوه عملکرد مرسی در حوزه اقتصاد: سوال یکی از عوامل سقوط وی ۱۷۶
- بخش سوم ۱۷۸
- نقش فضای مجازی در سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر ۱۷۸
- جنبشهای اجتماعی جدید ۱۷۸
- تکنولوژی در خدمت جنبشهای اجتماعی جدید ۱۸۰
- طبقه متوسط جدید در مصر ۱۸۱
- نقش طبقه متوسط جدید در سقوط مرسی ۱۸۴
- تاثیر فقدان نهادسازی انقلابی در سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر ۱۸۵
- نهادهای انقلابی، بازوان اجرایی اهداف انقلاب ۱۸۵
- فقدان رهبری و مرکز فرماندهی در نهادهای انقلابی ۱۸۶

۱۸۷		خلا ایدئولوژی واحد
۱۸۹		فقدان نهاد نظامی برای حراست از دستاوردهای میدانی انقلاب
۱۸۹		حاکمیت میلیتاریزه مصر
۱۹۱		مراحل تصفیه ساختار سیاسی از ارتش
۱۹۲		جمع‌بندی فصل
۱۹۴		نتیجه‌گیری

www.ketab.ir

مقدمه

مصر از لحاظ تاریخ، فرهنگ، جغرافیا و سیاست در جهان عرب، مرکزیت ویژه‌ای دارد و بالطبع رویدادهای این کشور، همه جهان عرب را متأثر می‌سازد. هرگونه تحول سازنده و یا مخرب در این کشور مسلمان شمال آفریقا تأثیر مستقیمی بر تحولات سیاسی سایر کشورهای منطقه می‌گذارد. به نحوی که همان‌طور که گفته شد، این کشور سرچشمه تحول‌خواهی و اصلاح‌طلبی دینی از سویی و روشنفکری سیاسی در جهان معاصر عرب از سوی دیگر بوده است.

در تاریخ معاصر مصر در ارتباط با جریان سکولاریسم و اسلام‌گرایی با دامنه‌های متفاوت در تحولات سیاسی و فکری این کشور، ریشه داشته‌اند. اما تشکیل جمعیت "اخوان المسلمین"، به سال ۱۹۲۸ میلادی توسط حسن البنا سرافراز حدیدی در حرکت اسلام‌گرایی نه تنها در مصر بلکه در بسیاری از جوامع اسلامی به حساب می‌آید. به نحوی که تاریخ مبارزات سیاسی مصر معاصر بدون فهم مبانی فکری و تحولات این جمعیت قابل توضیح نیست. حضور فعال قریب یک قرن اخوان المسلمین در ساختار اجتماعی و فرهنگی و سیاسی مصر با وجود فشارهای گسترده حکومتی، بستر مناسبی برای بسط نفوذ آنها در جامعه مصر فراهم نمود. لذا با شکل‌گیری ناآرامی‌ها در کشورهای عربی و گسترش امواج آن به مصر، رس‌نگونی حسنی مبارک که با وقوع انقلاب ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ صورت پذیرفت، این اخوان المسلمین بود که توانست بر امواج مطالبات مدنی انقلابیون قرار گیرد و در نهایت در یک راسبت دمکراتیک قدرت سیاسی را در مصر به دست آورده و ریاست جمهوری این کشور را از آن خود کند.

البته شایان ذکر است که تحولات سال‌های اخیر در کشورهای جهان عرب که با اعتراض‌های تونس آغاز شد، موجی از مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به همراه داشت. این اعتراض‌ها موجب تغییرات گسترده از جمله سرنگونی حکومت‌های برخی از این کشورها گردید. هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که خودکشی یک فرد تونس‌سی به نام محمد بوعزیزی در برابر ساختمان فرمانداری شهر بوزید موجب شکل‌گیری اعتراض‌های گسترده و برپا شدن

آتشی شود که از ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ به سرعت سراسر منطقه را در برگیرد و کشورهای مختلف عربی را که مدت‌ها و برای نزدیک به چهار دهه در سکون و آرامش و خارج از امواج تغییر و تحول بودند، با دگرگونی‌های وسیع روبرو نماید. این رویداد به شکل انفجار آئیزی مسائل و مشکلات نهان در کشورهای عربی به‌ویژه استبداد حکومت‌های اقتدارگرا و سرکوبگر و ناکارآمدی و وابستگی آنان به بیگانگان، فقدان آزادی‌های سیاسی، فقر و بحران هویت آنان را آشکار ساخت. اما در عین حال شکل‌گیری چنین حرکت‌های گسترده‌ای بیانگر این واقعیت است که عناصر متعددی اعم از تاریخی، دینی، اقتصادی و سیاسی در آن دخیل‌اند و بدون تبیین تحلیلی چنین تحولاتی مستلزم بررسی و لحاظ این عناصر و اتخاذ چشم‌انداز وسیعی است. درباره تحلیل چرایی و زمینه‌ها و پیامدهای این تحولات، البته دیدگاه‌های متنوعی بیان شده است. هر چند سروری است باگذشت زمان و انتشار اسناد و مدارک بیشتر، پژوهش‌ها و بررسی‌های گسترده‌تر عمیق‌تری صورت پذیرد، چنانکه برخی از تحلیل‌گران آن را از جنس اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در برخی آن را تحولات لیبرال دموکراتیک خوانده‌اند و برخی نیز این تحولات را در پیش‌زمینه مسائل اقتصادی و یا سیاسی و بعضی نیز آن را در ذیل نظریه توطئه توضیح داده‌اند.

کسانی که این تحولات را در چهارچوب اسلامی توضیح داده‌اند، مهم‌ترین عامل تکوین این تحولات را بحران هویت در جوامع اسلامی می‌دانند و ضمن توضیح این تحولات در خاستگاهی کاملاً مذهبی، بر روی عناصری که به انعکاس مضامین اسلامی در شعارها و اقدامات این جنبش‌ها و نقش مساجد و نمازهای جمعه و رفتارند این تحولات، شکل‌گیری مطالبات عمومی مردم چون عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد، دیکتاتوری در بستر مذهبی و همچنین اقبال عمومی به شخصیت‌ها و گروه‌ها و احزاب مذهبی و حتی در آنان در ساختار قدرت سیاسی پس‌از این رویدادها تأکید می‌ورزند و آن‌ها را نشان‌های آشکاری از شکل‌گیری موج جدیدی از بیداری اسلامی (اسلام‌گرایی) در جهان عرب قلمداد می‌کنند که از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته و معتقدند که علی‌رغم تفاوت‌های محیطی، گفتمان اسلام‌گرایی در این تحولات بر اصول مشترکی تأکید داشته به‌نحوی که مسلمانان در این کشورها راه برون‌رفت از نابسامانی‌های موجود را در اسلام و بازیابی هویت دینی خود جستجو نموده‌اند.

اما فارغ از قبول یا رد تحلیل‌هایی که اشاره شد، آنچه در بررسی این رویدادها مهم تلقی می‌شود این است که شکل‌گیری این تحولات که با حضور گسترده مردم مسلمان برای تغییر

شرایط سیاسی این کشورها آن‌هم در یک بازه زمانی کوتاه انجام گرفت، در تاریخ معاصر جهان عرب سابقه نداشته است. این در حالی است که در این خیزش‌ها دیگر سخنی از پان-عربیسیم و ناسیونالیسم عربی و یا نگرش‌های چپ‌گرایانه و یا روشنفکری غلیظ غربی و یا رهبری نخبگانی خاص وجود ندارد. بعلاوه این حضور مردمی در واکنش به شرایط ناپسامان و نابهنجار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و عقب‌ماندگی این جوامع شکل گرفت و مردم این کشورها که از استبداد حکومت‌ها و وابستگی و ناکارآمدی آنان به ستوه آمده بودند، مطالبات خود را در تغییرات بنیادین سیاسی پیگیری کردند و در نتیجه این ناآرامی‌ها و تحولات متعاقب آن، پایه‌های نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع عربی سست گردید. اما در مصر، اخوان المسلمین به‌عنوان قوی‌ترین جریان آلترناتیو، پس از سقوط مبارک، اقدام به تأسیس حزبی تحت عنوان "رادی و عدالت" کرد تا از این طریق، فعالیت‌های حزبی خود را پیگیری کند. اول نتیجه‌ی این فعالیت نسبت به ۴۳ درصدی آراء انتخابات پارلمانی بود که زمینه را برای حضور فعال و مؤثر اخوانی‌ها در ریاست جمهوری فراهم آورد. سرانجام محمد مرسی به‌عنوان نماینده‌ی اخوان در رقابت با جبران سکولار به نمایندگی ژنرال احمد شفیق، توانست ۵۲ درصد آراء را از آن خود سازد. به‌عنوان رئیس‌جمهور مصر وارد کاخ الاتحادیه شود.

درعین‌حال با حاکمیت یافتن اخوانی‌ها، آنان نتوانستند آسایش لازم را برای کنترل و اداره حکومت از خود نشان دهند، به‌نحوی که عملاً نتوانستند بر بحران‌های پیش‌رو فائق آیند. با عدم توفیق محمد مرسی در تحقق وعده‌های انتخاباتی، حامیان و دجانباس و دل‌سردی شدند. این روند منجر به روی‌گردانی بسیاری از همراهان انقلاب گردید و متعاقب آن جنبشی با عنوان تمرد در میان مردم شکل گرفت و به‌این‌ترتیب پایگاه مردمی حکومت مرسی به‌تدریج متزلزل گشت و درنهایت این سکولارها و بازماندگان رژیم سابق بودند که از مناسبات رضایتی مردم استفاده کردند و تحولات ژوئن ۲۰۱۳ را که به سرنگونی مرسی انجامید، رقم زدند.

اما پرسش اساسی این است که چرا اخوان المسلمین علی‌رغم مبارزات نزدیک به یک قرن برای تغییر اوضاع سیاسی مصر و علی‌رغم اینکه توانستند ارکان اصلی حکومت یعنی پارلمان و ریاست جمهوری را به دست آورند، در حکومت‌داری ناموفق شدند و سرانجام شکست را در مقابل مخالفان خود بپذیرا گشتند؟ بدون تردید عوامل متعددی در فروپاشی حکومت مرسی مؤثر بود که ازجمله می‌توان به ضعف و ابهام اندیشه اهل سنت در نظام‌سازی سیاسی

اسلامی، ناهمگونی گفتمان سیاسی آن با واقعیت نظام‌های سیاسی موجود، فقدان رهبری کاریزماتیک و نبود تجربه‌ی حکمرانی و عدم توانمندی اخوان در مدیریت احزاب و گروه‌های مخالف از سویی و از سوی دیگر ناکارآمدی در پاسخ به مطالبات مردم به‌ویژه طبقه متوسط مصر، سیاست خارجی نامطمئن و سرگردانی در سیاست داخلی اشاره نمود. با وقوع تحولات سیاسی ژانویه ۲۰۱۱، بنیادگرایی اسلامی به‌مثابه دستی نامرئی، سیاست

داخلی و خارجی تحولات مصر را متأثر می‌ساخت. رخنه این ایدئولوژی در دولت اخوانی باعث شد رجال سیاسی کم‌تجربه نتوانند در ایده و عمل خود به هیچ‌یک از قواعد جامعه سیاسی به عنوان آرمان انقلاب پایبند باشند و احزاب و گروه‌های معارض را به‌درستی مدیریت نکنند. همچنین تمایلات سلفی - وهابی و تندروی‌های اعتقادی محمد مرسی، مردمی را که تا روزی را به دنبال یک اخوانی معتدل می‌شناختند؛ ترساند و اقدامات وی نه‌تنها موجب خدشه در شان چند اخوان در تمام کشورهای اسلامی گشت بلکه این سؤال اساسی را در فضای روشنفکری سیاسی مصر نیز به وجود آورد که آیا اسلام اخوانی قادر به مدیریت انقلاب و نظام‌سازی و حفظ آن خواهد بود یا خیر؟ درعین حال باید از سیاست خارجی ناکارآمد و نامطمئن دولت مرسی نیز سبب به‌مان آورد. سیاستی که رویکرد مشخص و قابل‌انتظاری را از خود بر جای نگذاشت. رفتار نامطمئن وی با دول حامی محور مقاومت از جمله سوریه و عراق و رافضی خطاب نمودن آن‌ها، مصالحه مرسی با رژیم اسرائیل و عدول از آرمان‌های یک قرن اخیر اسلام‌گرایان مصر، سخنرانی و رفتار بی‌احساس سران عدم تعهد در تهران، از جمله شواهد آشکار در نپختگی سیاسی وی بود. درعین حال ناتوانی محمد مرسی در تعامل صحیح با همسایگان آفریقایی از جمله اتیوپی و تهدیدین کشور به حمله نظامی را نیز باید از جمله اشتباهات وی در عرصه سیاست خارجی به شمار آورد.

اما یکی از مهم‌ترین علل سقوط مرسی را باید در نحوه مدیریت و رهبری سیاسی وی در طول دوران ریاست‌جمهوری‌اش جستجو نمود. البته انقلاب فوریه مصر از ابتدا با خلأ رهبری سیاسی قابل‌انکار روبرو بود و پیامد مستقیم این خلأ همواره ظرفیت‌های ملی این انقلاب را با تردید جدی همراه می‌ساخت. ولی انتظار این بود که اخوان‌المسلمین و شخص محمد مرسی بتوانند از این ظرفیت مهم در جهت تشکیل یک دولت قوی استفاده نموده و ضمن جایگزین نمودن عناصر و نیروهای انقلاب در ساختار دولت، نقش ارتش مصر را در حوزه سیاست کنترل نمایند. نظام حکومتی مصر بعد از جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای شکل گرفته که قدرت

مدیریت سیاسی این کشور همواره تحت انقیاد ارتش این کشور است. ولی علی‌رغم تحولات ژانویه ۲۰۱۱ و پیروزی محمد مرسی در انتخابات و تشکیل کابینه اخوانی، ساختار، فرماندهی و بدنه ارتش دست‌نخورده باقی ماند و بعلاوه دگرگونی جدی در مدیریت اقتصاد کشور نیز که عمدتاً در دست امرای ارتش بود، صورت نپذیرفت. بدیهی بود که در چنین شرایطی ارتش هیچ‌گاه در کنار مرسی قرار نگیرد بلکه برای حفظ منافع خود علیه او اقدام نماید. اثر پیش رو که توسط سرکار خانم طیبه سلامت نوشته شده است، تلاش می‌نماید تا با کالبدشکافی بسته‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ظهور جنبش‌های اسلامی بخصوص اخوان در مصر و تاریخچه‌ی کنش سیاسی آن، انقلاب ژانویه در این کشور را واکاوی نموده و برخی از دلایل سقوط اخوان‌المسلمین در پایگاه اصلی ایشان یعنی مصر را مورد بررسی قرار دهد. راین‌رو این نوشتار با عنوان بررسی عوامل سقوط محمد مرسی از ریاست جمهوری مصر می‌تواند برای دانشجویان جوانی که تمایل دارند مسائل انقلاب ۲۰۱۱ مصر و دلایل ظهور و سقوط اخوان‌المسلمین در این کشور را به شکل اجمالی پی‌جویی نمایند مفید واقع شود. ضمن سپاسگزارای نویسنده از خداوند بزرگ برای ایشان در مسیر علم‌آموزی و خدمت به جامعه علمی این طلب توفیق می‌نمایم.

و من الله توفیق

جلال درخشه